

عیب پوش باشیم

نه عیبجو



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء محمد

مصطفی و آل طاهرینش

﴿ ۱ ﴾ وَاِیْلَ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ

وای بر هر عیب جوی بدگوی! (ا همزه)

یکی از گناهان رایج در بین مردم عیبجویی دیگران است. که خداوند

عیب جویان را تهدید نموده است... وای بر عیبجویان...

عیب پوش باشیم نه عیب جو

یکی از صفات خداوند مهربان، ستار العیوب بودن خداست. **يَا سَتَّارَ**

الْعُيُوبِ ای پوشاننده عیبا^۱

يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ^۲

ای عیب پوش هر عیبی

يَا مَنْ سَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ يَا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السِّرَّ^۳ ای

که کار زشت را پنهان کنی ای که کسی را به گناه نگیری، ای که پرده کس نداری.

يَا سَاتِرَ الْعَوْرَاتِ^۴ ای پرده پوش بر عیبا

يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ^۵ ای بزرگوار چشم پوش

چون خداوند بندگان را دوست دارد و هر کس کسی را دوست داشته

باشد عیب او را بر ملا نکرده و نزد دیگران رسوایش نمیسازد .

^۱ جوشن کبیر - فراز ۱۲

^۲ دعای جوشن کبیر - فراز ۱۰

^۳ جوشن کبیر - فراز ۲۲

^۴ جوشن کبیر - فراز ۲۴

^۵ جوشن کبیر - فراز ۳۴

پس پوشاندن عیب دیگران، رنگ خدایی است. بیایید ماهم عیب پوش هم باشیم. با این فرق که خدا خیلی پوشانده عیب است ولی ما باندازه توانمان بتوانیم عیب دیگران را بپوشانیم. اگر سری از کسی می دانیم نباید فاش کنیم حتی اگر با او اختلاف پیدا کردیم یا از او عصبانی شدیم نباید آبروی او را ببریم و باید مانند خداوند مهربان، رازدار باشیم و رازهای مردم را در سینه حفظ کنیم و بقول معروف با خود به گور ببریم.

اگر زن از شوهرش عیبی سراغ داره اون رو برا هیچکس نگه و همچنین اگر مرد عیبی از زنش میدونه نباید اون رو برای احدالناسی بگه.

اگر پدر از فرزندانش عیبی میدونه باید بپوشونه و برعکس.

اگر از همسایه یا همکار یا دوستان عیبی میدونیم نباید جایی نقل کنیم که خدا آبروی مومن رو از کعبه مهم تر میدونه و هرکی آبروی مومنی رو ببره به جتگ با خدا رفته!

بزرگان ما به ما توصیه کرده اند که هفتاد گناه بزرگ از مومن را بپوشانیم.

بزرگان همچنین به ما گفته اند که اگر درباره شخصی به شما گفتند که مثلاً فلان کار زشت را انجام داده و خودش انکار کرد و گفت من انجام

نداده ام. حرف خودش را قبول کنید حتی اگر پنجاه نفر قسم خوردند که این کار را کرده است ولی خودش می گوید نکرده ام. حرف خودش را قبول کنید.

در این کتاب در مورد اهمیت عیب پوشی مطالب متنوعی آورده شده است.

بهار 1404. کرمانشاه

عیب پوش باشیم نه عیب جو

یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من گرد آن خانه گشتم ولی هیچ
کس را آنجا ندیدم!

آمده است که روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم با جمعی از اصحاب خود
نشسته بودند ناگه شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید و عرض
کرد:

یا رسول الله در فلان خانه مردی و زنی به فساد مشغولند
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این خبر تو را باید بررسی کنم و آنها را
بخواهم بینم مطلب چیست؟

چند تن از صحابه که آنجا بودند اجازه احضار آنها را خواستند، لیکن
پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هیچ یک از آنان را اجازه نداند تا اینکه
حضرت علی (علیه السلام) خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید آنگاه
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی (علیه السلام) فرمود:

یا علی تو برو و بین این ماجرا که می گویند راست است یا نه
امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آمد تا رسید به در خانه، آنگاه چشمان

خود را بر هم گذاشت و وارد خانه شد و دست بر دیوار داشت تا وقتی
که گرد خانه گردید و بیرون آمد چون خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
و سلم رسید عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من گرد آن خانه
گشتم ولی هیچ کس را آنجا ندیدم.
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به نور نبوت مطلب را یافت که علی (علیه السلام)
نمی خواهد آن دو را رسوا نماید لذا فرمود:
یا علی انت فتی هذه الامه
یعنی: یا علی تو جوانمرد این امتی^۶

حضرت علی (ع) فرمود: اگر مؤمنی را بیابم (و بینم) بر کار بد و
گناهی مشغول است همانا او را به لباس خود و یا به لباس او می پوشانم.
[^۷] زیرا پرده دری خود گناه بزرگی است [^۸]

برگرفته از کتاب هزار و یک داستان از زندگی امام علی (علیه السلام) 6

نویسنده: محمد رضا رمزی

ترجمه الإیمان و الکفر بحار الانوار 7

آشتیانی، میرزا احمد، ج ۲، ص ۳۸، طرائف الحكم یا اندرزه‌های ممتاز، تهران، کتابخانه صدوق، 8

سو م، ۱۳۶۲ ش

فضای مجازی یکی از مهم ترین علل و اسباب عیب جویی و تجسس در کار مردم

امروزه در فضای مجازی براحتی آبروی افراد را می برند و عیبهای آنان را برای میلیونها نفر نشان می دهند از مسئولین گرفته تا افراد عادی همه را مورد تجسس قرار می دهند یا به عنوان دوربین مخفی افراد را مسخره می کنند و...

مواظب باشیم که ما جزو آنها نباشیم و مبدا آبروی افراد را ببریم که در قیامت گرفتار خواهیم شد از کار بد دیگران تقلید نکنیم و کلیب هایی که حاوی عیبجویی و بردن آبروی مردم است برای دیگران نفرستیم و حتی خود هم نگاه نکنیم. که خدا در قران فرمود: **إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ**
وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا^۹

گوش و چشم و دل ، همه ی اینها مورد بازخواست قرار خواهد گرفت.

مردی به پیامبر خدا(ص) عرض کرد: دوست دارم خداوند عیبهای مرا بپوشاند. حضرت فرمودند: عیبهای برادرانت را بپوشان^{۱۰}

اسراء 36^۹

مجدی ری شهری ،مجد؛ میزان الحکمه، قم، دارالحديث، اول، 1377ش، ج 9، ص 4221¹⁰

امیر مومنان فرمود:

شریف ترین اخلاق فرد بزرگوار، چشم پوشی او از آنچه [در مورد دیگران و اشتباهاتشان] می داند، است.^{۱۱}

در بسیاری از دعاها، عیب پوشی خداوند ستایش شده است. برای مثال،
:در فرازی از دعای شانزدهم صحیفه سجادیه آمده است

ای معبود من! شکر و سپاس تو را که چه بسیار عییم را پوشاندی و
رسوایم نکردی و چه فراوان گناهم را پنهان کردی و در گناهان،
مشهورم نساختی و چه بسیار زشتی ها که انجام دادم و پرده آبرویم را
ندریدی و بدی های آن را بر همسایگان که در جست وجوی عیب هایم
هستند و بر حسودانی که تحمل دیدن نعمت هایت را ندارند، آشکار
نساختی.

این همه پرده که بر کرده ما می پوشی گر به تقصیر بگیری نگذاری دیار
فعل هایی که ز ما دیدی و نپسندیدی به خداوندی خود پرده بپوش ای ستار

سعدی

در دعای جوشن کبیر نیز می خوانیم: «یا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ؛ ای آن که زیبایی را آشکار می سازی و زشتی را می پوشانی.» در تفسیر این عبارت از دعا، روایتی دل نشین از امام صادق علیه السلام نقل شده است که:

هیچ مؤمنی نیست، مگر آنکه در عرش، صورتی دارد شبیه به صورت او در زمین. پس هر گاه کارهای نیکی چون رکوع و سجود و دیگر افعال نیکو از او صادر شود، صورت این اعمال نیکویش در عرش ظاهر شود و ملایکه آن را می بینند و بر او درود می فرستند و برایش استغفار می کنند، ولی اگر معصیتی از او سرزند، خداوند، حجابی بر آن می نهد تا ملایکه بر آن آگاه نگردند و این است تأویل: «یا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ».^{۱۲}

ستایش خداوند در دعاها به عیب پوشی، تشویق ضمنی دعاخوان است در پوشاندن عیب های دیگران

از عیب پوشی خداوند مغرور نشویم

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت است که فرمود:

¹² حکیم حاج ملاهادی سبزواری، شرح جوشن کبیر، صص 279 و 280

بنده ای نیست، مگر اینکه چهل پوشش بر اوست تا اینکه چهل گناه
کبیره انجام می دهد و در این هنگام، پوشش ها از او برچیده می شود،
ولی خداوند به ملایکه می فرماید: «بنده مرا با بال های خودتان بپوشانید.»
و ملایکه، او را با بال های خودشان می پوشانند، ولی بنده گناه کار آن
عمل را دوباره مرتکب می شود تا اینکه به فعل زشت خود به مردم فخر
فروشی می کند. سپس ملایکه می گویند: «پروردگارا، این بنده تو
مرتکب هر گناهی شد و ما از آنچه او انجام می دهد، حیا می کنیم.» پس
پروردگار به ملایکه وحی می کند تا بال هاشان را از آن بنده بردارند.
در این زمان، ملایکه می گویند: «پروردگارا، این بنده تو رسوا گردید.» و
خداوند به آنها می فرماید: «اگر من (خاطر) او را می خواستم، به شما امر
نمی کردم بال های خود را از او بردارید.»^{۱۳}

گوشزد کردن صمیمانه عیب ها، نشانه خیرخواهی و نوع دوستی با فرد
خطاکار است، همان گونه که پنهان نگه داشتن عیب های اطرافیان از
خود آنان به انگیزه معیوب ماندن آنها به نوعی بیان کننده دشمنی
شخص با آنهاست. حضرت علی علیه السلام در کلامی در این باره می

فرماید: «هر که عیبت را به تو نشان دهد، او دوست صمیمی توست و هر که عیبت را از تو پنهان نگه دارد، او دشمن توست.»^{۱۴}

با این حال، همه افراد از روی خیرخواهی و صداقت به بیان عیب های دیگران نمی پردازند، بلکه ای بسا با قصد و نیتی زشت، ازجمله برای تحقیر فرد و بزرگ جلوه دادن خود، به این کار دست می زنند. سخن ارزشمندی در این باره از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود:

کسی که حادثه ای را از برادر مسلمان خود بداند و آن را نقل کند و منظورش از آن، عیب جویی و لکه دار ساختن جوانمردی او باشد، خداوند در روز رستاخیز، او را از رحمت خود دور می کند و در جای ذلت آوری قرار می دهد تا از آنچه گفته و آشکار ساخته است، اظهار ندامت کند.^{۱۵}

حضرت علی علیه السلام روایت است: «خوشا به حال آن کس که عیب خودش، او را از پرداختن به عیب های مردم باز دارد.»^{۱۶} در جایی دیگر نیز می فرماید: «کسی که عیب جویی می کند، باید از خودش آغاز کند.»^{۱۶}

^{۱۴} ح. 8745 غرالحکم و دررالکلم،

^{۱۵} مستدرک الوسائل، ج 2، ص 108

^{۱۶} ابن تیمیة آمدی، غرالحکم و دررالکلم، ح 8489

عیسی مسیح در این باره می فرماید:

از کسی ایراد نگیرید تا از شما هم ایراد نگیرند؛ چون هر طور با دیگران رفتار کنید، آنها هم همان گونه با شما رفتار خواهند کرد. چرا پر کاهی که در چشم دوستت هست، می بینی، ولی تیر چوبی را که در چشم خودت هست، نمی بینی.^{۱۷}

چه خوب است به جای اینکه، از رفتار و گفتار ناروای اشخاص ایراد « بگیریم، به دردشان برسیم و اگر بتوانیم، هدایتشان کنیم و از این واجب تر آنکه به دردهای خودمان برسیم؛ یعنی بی ریا و بی پروا، نقص ها و عیب های خود را روبه رو بگذاریم و به علاج خویش پردازیم».^{۱۸}

¹⁷ انجیل متی، 6: 1-7

¹⁸ هلن شاختر؛ به نقل از: سید مجتبی موسوی لاری، بررسی مشکلات اخلاقی و روانی، ص 93

نصیحت پذیری علامت نداشتن تکبر

اگر این خصلت را داریم که اگر کسی از روی خیرخواهی عیب ما را به ما گوشزد کرد ما ان را قبول کنیم و از او بابت تذکرش تشکر کنیم این نشان از تواضع ما است. نشان از نداشتن غرور و تکبر ما می باشد.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَى مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي؛ محبوب ترین برادرانم نزد من، کسی است که عیب هایم را به من هدیه کند».^{۱۹}

:همچنین، حضرت علی علیه السلام در گفتاری زیبا فرموده است

باید محبوب ترین مردم نزد تو، کسی باشد که تو را به آنچه مایه اصلاح و سازندگی توست، راهنمایی کند و عیب ها و کاستی های تو را به تو نشان دهد.^{۲۰}

چند مورد از نصیحت پذیری افرار خیلی بزرگ

شیطان عیب حضرت یحیی را بش گفت

¹⁹ تحف العقول، ص 366

²⁰ غررالحکم و درر الکلم، ح 8210

حضرت یحیی علیه السلام خطاب به شیطان فرمود: آیا هرگز شده است که بر من چیره شده باشی؟ شیطان گفت: نه، ولی در تو خصلتی است که خوشایند من است. حضرت یحیی علیه السلام پرسید: آن خصلت چیست؟ شیطان گفت: تو مرد پُر خوری هستی؛ هرگاه افطار می کنی آن قدر می خوری و سیر می شوی که تو را از برخی نمازها و شب زنده داری هایت باز می دارد. حضرت یحیی علیه السلام فرمود: پس من با خدا عهد می بندم که تا زنده ام، از غذا خود را سیر نکنم. ابلیس نیز به یحیی علیه السلام گفت: من هم با خدا عهد می بندم که از این پس تا زنده هستم هرگز مسلمانی را نصیحت نکنم. آن گاه بیرون رفت و پس از آن دیگر به نزد حضرت یحیی علیه السلام بازنگشت.

اگر عیب ما را گفتند پذیرا باشیم

آیت الله آقا سید علی عرب که حدود ۱۱ سال ملازم محضر آخوند ملا حسینقلی همدانی بود، در مورد حالات و کمالات استاد خویش می گوید: «روزی به قصد زیارت ابی عبدالله الحسین علیه السلام، همراه آن بزرگوار وارد حرم مقدس شدیم. آخوند ملا حسینقلی همدانی مشغول نماز زیارت شد. به علت ازدحام جمعیت، بدن آخوند هنگام نماز مقداری

تکان می خورد. آن جا آقا شیخی از اهل مازندران بود که آخوند را نمی شناخت، گفت: این آقا چرا موقع نماز طمأنینه لازم را ندارد؟ من در پاسخ گفتم: ایشان پیرمرد است، نماز هم که نماز مستحب است. او قانع نشد و تصمیم داشت مطلب خود را به خود آقای آخوند متذکر شود. رفت خدمت آقا و عرض کرد: آقا! هنگام نماز، بدنتان طمأنینه لازم را نداشت! آخوند متوجه شد که او با زحمت حرف خود را بیان می کند، به او فرمود: «چرا تذکر خود را با مشکل بیان می کنی؟ شما باید به من بگویید:

آخوند تو چند وقت است نجف هستی، هنوز متوجه نشده ای که در نماز باید طمأنینه را رعایت نمود. تذکر تو بجاست و نباید چیزی مانع آن شود...

در روایات آمده که بهترین دوستان کسانی هستند که عیبهای ما را به ما گوشزد کنند اما **بعضی افراد اگر عیب آنها را به خودشان بگوییم ناراحت می شوند** و گاهی با انسان دشمن میشوند و کینه ادم را در دل می گیرند و لجبازی می کنند که این نشانه تکبر آنان می باشد!...

گویند

نمازگزاری موقع تکبیره الاحرام می گفت:الله اکبر، خمینی رهبر .. بش
گفتند این اشکال دارد.. بحای قبول نصیحت، دفعه بعد موقع تکبیره
الاحرام می گفت: الله اکبر. خمینی رهبر. مرگ بر ضد ولایت فقیه!

تذکر امام هفتم(ع) به بشر حافی

مرحوم علامه آیت الله حسینی طهرانی رضوان الله تعالی علیه توبه بشر را
اینطور نقل می کنند: حضرت امام کاظم علیه السلام از خانه بشر حافی در
بغداد عبور می کردند، که صدای غنا و رقص و نی به گوش حضرت
:رسید، در این حال کنیزی از منزل خارج شد. حضرت به او فرمودند

يَا جَارِيَةُ! صَاحِبُ هَذَا الدَّارِ حُرٌّ أَمْ عَبْدٌ؟! فَقَالَتْ: بَلْ حُرٌّ. فَقَالَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ: صَدَقْتَ! لَوْ كَانَ عَبْدًا خَافَ مِنْ مَوْلَاهُ ؛ خَافَ! مالک این خانه آزاد
«است یا بنده؟! گفت: آزاد است

حضرت کاظم علیہ السلام گفت: راست گفتی؛ اگر بنده بود، از آقای خود
»می ترسید و چنین کاری نمی کرد

آن کنیز چون بازگشت، آقای وی که بر سر سفره شراب بود گفت: چرا
دیر برگشتی؟! کنیز گفت: مردی با من چنین و چنان گفت. بشر در این
حال فوراً با پای برهنه (حافیاً) از منزل بیرون شد تا حضرت امام کاظم
علیه السلام را دیدار کرد، و عذر خواهی نمود و گریست، و از کردارش و
عملش شرمنده شد، و بر دست آن حضرت توبه نمود^{۲۱}

در این داستان معلوم شد بشر ادم نصیحت پذیری بوده و بخاطر همین
موفق به توبه شد.

منبع: نور ملکوت قرآن، علامه آیت الله حسینی طهرانی، ج ۳ ص ۲۸۱^{۲۱}

بر اساس آموزه‌های روایی اسلام نیز یکی از زشت‌ترین و ناپسندترین رفتارها، جستجو و پیگیری عیوب دیگران است.

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

«به دنبال عیب دیگران بودن یکی از زشت‌ترین عیوب و بدترین»

گناهان است». [تَتَّبِعُ الْعُيُوبَ مِنْ أَقْبَحِ الْعُيُوبِ وَ شَرِّ السَّيِّئَاتِ]، تصنیف غرر

[الحکم و درر الکلم، ص 451]

در روایت دیگری امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند

«قَالَ أَبْعَدُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ يُوَاخِي الرَّجُلَ وَ هُوَ

يَحْفَظُ عَلَيْهِ زَلَّاتِهِ لِيُعَيِّرَهُ بِهَا يَوْمًا مَا» [الكافي، ج 2، 355].؛

«چیزی که انسان را از خدا دورتر می‌کند این است که وی با کسی رفیق

». «شود تا عیب‌های او را پیدا کند و روزی علیه او استفاده کند.

این رذیله اخلاقی مایه ریخته شدن آبروی دیگران، باعث برآشفتگی

کینه‌ها و دشمنی‌ها و از بین رفتن محبت‌ها و از دست دادن دوستان و

موجب از هم گسیختگی نظام و شیرازه اجتماع می‌گردد] شفیعی

مازندرانی، محمد؛ پرتوی از اخلاق اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات

اسلامی 1372، اول، ص 237-233.] و از همین رو از سوی خداوند

متعال مجازات سنگینی برای آن در نظر گرفته شده است

امام صادق (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌فرماید:

لغزش‌های مؤمنین را جستجو نکنید زیرا هر که لغزش‌های برادرش را «

جستجو کند، خداوند لغزش‌هایش را دنبال نماید و هر که خدا

لغزش‌هایش را دنبال کند، رسوایش سازد گرچه در درون خانه‌اش

باشد». [«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) لَا تَطْلُبُوا عَثَرَاتِ

الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ مَنْ تَتَبَعَ عَثَرَاتِ أَخِيهِ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثَرَاتِهِ وَ مَنْ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثَرَاتِهِ

[يَفْضَحُهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ»، الكافي، ج 2، ص 355]

علل عیبجویی دیگران

باید دانست؛ ریشه عیبجویی از دیدگاه علم اخلاق می‌تواند موارد زیر باشد:

عیبجویی نتیجه عداوت و حسد است به این معنا که اگر کسی کینه و دشمنی دیگری را در دل داشته باشد به دنبال عیوب او می‌افتد تا او را رسوا سازد.

گاهی شخص بدون این که کینه و حسد نسبت به دیگران داشته باشد دنبال لغزش‌ها و عیوب آنها می‌افتد^{۲۲}

احساس حقارت

یکی از عوامل عیبجویی، احساس حقارت است. کسانی که عیوب مختلفی دارند و احساس حقارت می‌کنند، می‌خواهند با نشر عیوب دیگران و تحقیر نمودن این و آن، عیوب خود را بپوشانند و ضعف باطنی خویش را جبران نمایند.

امام علی (ع) در این باره می‌فرماید:

[حقانی زنجانی، حسین؛ پژوهشی در ارزش‌های اخلاقی، تهران، دانشگاه الزهرا، 1383، ص 117].²²

ذَوُّ الْعُيُوبِ يَحِبُّونَ إِشَاعَةَ مَعَايِبِ النَّاسِ لِيَتَّسِعَ لَهُمُ الْعُذْرُ فِي مَعَايِبِهِمْ^{۲۳}

کسانی که دارای عیوب هستند، دوست دارند عیوب مردم را شایع کنند تا راه عذرشان توسعه یابد.

و با توسل به اشاعه عیوب دیگران، اعتراض مردم را نسبت به خود، کاهش دهند.

مثلاً یک دانش آموز تنبل برای جبران ضعف خود، ضعف های دیگران را مطرح می کند، تا ضعف خود را جبران کند.

به جهت نوعی پستی و زبونی که از آشکار شدن زشتی ها و عیوب دیگران، شاد می شود!^{۲۴}

بدگمانی، عامل دیگری بر عیب جویی و بدگویی است^{۲۵}

^{۲۳} غررالحکم، ح ۹۶۵۲

^{۲۴} علم اخلاق اسلامی، ص ۳۶۳

^{۲۵} [پژوهشی در ارزش های اخلاقی، پیشین، ص ۱۲۹]

تفریح و سرگرمی و بیکاری از عوامل عیبجویی

تفریح و سرگرمی و بیکاری یکی از علل عیبجویی دیگران است. اگر آدمی برای اوقات شبانه روز برنامه داشته باشد، دیگر فرصت اینکه سراغ دیگران برود و عیوب آنها را کشف کند نخواهد داشت...

یکی از انگیزه های عیب جویی، نوعی بیماری روحی است که برخی از مردم دچار آن می شوند، به طوری که از جست و جوی عیوب دیگران و پخش آن در میان مردم لذت می برند و بدین وسیله ناراحتی خود را تسکین می دهند. امام علی (ع) در این خصوص می فرمایند:

الْأَشْرَارُ يَتَّبِعُونَ مَعَايِبَ النَّاسِ فَيَنْشُرُونَهَا وَ يَكْتُمُونَ مَحَاسِنَهُمْ كَمَا يَتَّبِعُ
الذُّبَابُ الْمَوَاضِعَ الْفَاسِدَةَ^{۲۶}

افراد پست، همیشه در صدد دستیابی به بدی ها و عیوب دیگرانند و همچون مگس ها، فقط در مراکز فاسد می نشینند.

چنین کسانی در اثر خودخواهی، هرگز به خود اجازه نمی دهند که به عیوب خود پردازند و چون از عیوب خود غافلند، عیوب دیگران را می بینند. به یکی از بزرگان گفتند: چرا از عیوب دیگران سخن نمی گویی؟

او در جواب گفت: چون برای خود کمالی نمی بینم تا از دیگران عیب
گویی کنم.

دشمنی از عوامل عیبجویی

یکی دیگر از عوامل و ریشه های عیب جویی، دشمنی است. بسیاری از
افرادى که عیب جویی می کنند، در واقع به سبب کینه ای است که از
دیگران، در دل دارند. آنها دائماً در فکر عیب جویی و رسوا کردن
دیگران هستند.

چون غرض آمد هنر پوشیده شد

صد حجاب از دل به سوی دیده شد

در تاریخ آمده است: بنی امیه همیشه نسبت به بنی هاشم کینه داشتند و
در هر فرصتی دشمنی خود را اعمال می کردند.

روزی در مجلس معاویه، جمعی از رجال شام نشسته بودند و عقیل نیز
در آن مجلس حضور داشت. معاویه برای آن که نیشی بزند و عقیل را

در حضور دیگران تحقیر نماید، بدون مقدمه به حضار مجلس رو کرد و گفت: آیا می دانید ابولهبی که خداوند در قرآن، او را به بدی یاد کرده و درباره اش فرموده

«تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ»

کیست؟ جواب دادند: نه، گفت: عموی این مرد است. و به عقیل اشاره کرد. عقیل نیز بلافاصله گفت: آیا می دانید زن ابولهب که خداوند در قرآن او را به بدی یاد کرده و درباره اش فرموده است:

²⁷ «وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ* فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ»

کیست؟ جواب دادند: نه، گفت: عمه این مرد است و به معاویه اشاره کرد.²⁸

²⁷ مسد/ 4 و 5

²⁸ اخلاق فلسفی، ص 342

مقام مومن منزله از عیبجویی دیگران است...

مومن کسی است که هرگز به خود اجازه نمی دهد به دیگران آسیبی برساند و دیگران را ناراحت کند و برنجاند...

بر عکس، مومن همیشه به دنبال نفع رساندن به دیگران است و می خواهد دیگران را خوشحال کند تا خدا از او راضی شود زیرا می داند خوشحالی مردم باعث خوشحالی خداوند می شود. و پیامبر ما اعلام فرمود

مَا مِنْ عَبْدٍ يُدْخِلُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُؤْمِنٍ سُرُورًا إِلَّا خَلَقَ اللَّهُ لَهُ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورِ خَلْقًا يَجِيئُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا مَرَّتْ عَلَيْهِ شَدِيدَةٌ يَقُولُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ لَا تَخَفْ فَيَقُولُ لَهُ مَنْ أَنْتَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَلَوْ أَنَّ الدُّنْيَا كَانَتْ لِي مَا رَأَيْتُهَا لَكَ شَيْئًا فَيَقُولُ أَنَا السُّرُورُ الَّذِي أَذْخَلْتَ عَلَى آلِ فُلَانٍ

هیچ بنده ای نباشد که خانواده مومنی را خوشحال کند جز آنکه خداوند از آن خوشحالی، آفریده ای را بیافریند که هر گاه در روز رستاخیز او را سختی ای رخ دهد به نزدش آید و گوید: ای دوست خدا مترس. و آن بنده او را گوید: خدا تو را رحمت کند تو کیستی؟ اگر سرای دنیا از آن

من بود برای پاداش به تو آن را ناچیز می شمردم. و آن آفریده گوید:
من شادی ای هستم که بر دل خانواده فلانی نشاندی

پس چگونه مومن می تواند با عیبجویی باعث ناراحتی دیگران شود و
آبروی دیگران را ببرد؟